

حقوق جزائی

یاببات بتام بطور خلاصه

سود و زیان عبارت از خاصیت و نیروی تاثیر اسباب و عللی است که ایجاد دو کیفیت نفسانی یعنی لذت و الم در وجود انسانی نموده و او را متأثر میکند بنابراین این اساس و بنیان مجازات در حقیقت بر روی دو پایه لذت و الم گذاشته شده که تحقیق در این دو کیفیت و انواع و مراتب آنها و مقایسه هر یک با دیگری در طی تحقیق بخوبی حقیقت سود و زیان را واضح و روشن خواهد نمود.

ماهیت لذت و الم

حقیقت لذت و الم حس ملائمت و نفرت طبیعت عامه است از طبقات فقیر و غنی - و امیر و مأمور - و جاهل و عالم - و ضعیف و شریف در امور - و مقصود در این مبحث احساسات ملائمت و نفرت عمومی است که در نتیجه توجه بتأثیرات عمل زشت و زیبا در جامعه و مصلحت مرتکب آن اعمال و سنجش بین آنها تولید میشود و همان لذت و المی میباشد که منظور و پایه بحث ما است - نه میل و تنفر خصوصی که از هوای نفس و عدم توجه بمصلحت مرتکب و تاثیر عمل وی در افکار بوجود میآید -

لذت و الم بر دو قسم است بسیط و مرکب و هر يك باعتبار عوامل و اسباب بچار نوع بخش میشوند که در حقیقت مؤثرات همین چهار نوع خواهد بود -

اول مادی و طبیعی -

دوم ادبی -

سوم سیاسی -

چهارم دینی -

لذات بسیطه و مرکبه

لذت و الم بسیط دارای اجزائی نیست که هر يك لذت و الم مستقل و قائم بالذات محسوب گردد - برعکس

لذت و الم مرکب مشتمل بر اجزائی است که هر يك جداگانه و منفرداً لذت و الم مستقل بشماره میآید مثلاً انسان وقتیکه وارد باغ سبز و خرمی میشود و می بیند انواع لذات از قبیل گلهای رنگارنگ، معطر و ریاحین خوشبو و آب روان و میوه های گوناگون موجود و ادوات موسیقی بالحن روح افزا در کار نواختن است لذتی بی پایان است برد که در اول وهله يك لذت بیش بنظرش نماید ولی پس از اندکی دقت حس میکند هر يك از آنها لذت بسیط و جداگانه هستند که مجموعاً در وی ایجاد لذت زیادی کرده است و بر روی همین مقایسه حقیقت و الم مرکب معلوم میشود.

لذات و الم - مادی و طبیعی - ادبی - سیاسی

دینی

لذت و الم مادی و طبیعی خوشی و ناخوشی است که در انسان ایجاد میشود بواسطه حوادثی که برایش رخ داده و مستند بدخالت کسی نبوده است مانند میل ریشه کنی که یگدغه جاری و دارائی را از بین میبرد و یا بواسطه شغل و تقبلی صاحب مالی آتش سوزان مالش را فرا گرفته و میسوزاند.

لذت و الم ادبی آنست که در نتیجه میل و نفرت دوستی و دشمنی دیگران بانسان میرسد یعنی میل و نفرت دیگری باعث شود اموال و درآمد شخص محو و یا منافع و اموالی درآمد وی گردد.

لذت و الم سیاسی کیفیتی است که در انسان حاصل میشود بر اثر قضاوت حاکم که حکم مزبور بمنوان تطبیق ماده قانونی در باره اش صادر شده باشد - لذت و الم دینی ناشی است از اعتقاد باینکه حارقه ناگوار و گوارا و خیر و شری که بوی رسیده و پیش آمده است بسبب اراده و مشیت خداوندی است - این مؤثرات چهار گانه که

نتیجه افکار جدیدی برای آنان تولید و موفق با کشفیات و اختراعات میشوند -

هشتم - لذت ذاکره است که انسان درک مینماید هنگامیکه حوادث گذشته را بطوریکه واقع شده منظم و مرتب نقل میکند -

نهم - لذت آرزو است که شخص بتصور اینکه در آینده برای او حوادث خوبی رخ خواهد داد خوش و خرم است -

دهم - لذت شماتت که ایجاد میگردد در وجود کسیکه می بیند دشمنی دچار مشقت و تألم گردیده است -

یازدهم - لذت گشایش که بواسطه سبک شدن سختی و تنگی و یا زائل شدن آنها در انسان موجود میشود

دوازدهم - لذت تخیل که انسان احساس میکند هنگامی که تصور و فکر در ترکیب بندی بنا و نقش و امثال آنها کرده و بالتبعیجه صورت و ترکیب خوب و زیبایی در ذهن حاضر و مهیا ساخته است -

سیزدهم و چهاردهم - لذت عاطفه و لذت قدرت که هر دو محتاج بیان نیست -

آلام بسیطه

اول - الم حرمان و آن ناشی است از فقد لذتی که فقدانش موجب کدورت است - کیفیت وجود خارجی این الم بر سه قسم میباشد -

(۱) المی که حاصل میشود از بین رفتن امر ملایم و خوشی که شخص بدان در حال تلذذ بوده و یا یقین داشته است که در آینده بوی خواهد رسید -

(۲) المی که بانسان روی میدهد در حالیکه ناگهانی آرزوی شدید وی برای آمدن لذت گسیخته و ناامیدی کامل او را فرا گرفته است -

(۳) المی که در انسان حاصل میشود وقتیکه بلذتی رغبت کرده و بین بیم و امید است که بان لذت میرسد یا نه ولی ناامیدی وی قویتر از امیدواری او است -

دوم - الم حواس که احساسات ناملایم با طبیعت باشد و از دوراه بوجود می آید یکی بوسیله حواس پنجگانه

نگاشته شد قدر جامع و مشترك بین انواع لذائد و آلامی است که هر يك از آنها را جداگانه بیان میکنیم -

انواع لذائد بسیطه

اول - لذائذیست که انسان از راه ذائقه و شامه و سامه و باصره و لامسه احساس مینماید مانند لذت خوراک و بوی خوش و صدای مطبوع و زیبایی منظر و نرمی اشیاء ... لذائد دیگری نیز در انمان یافت میشود که ناشی است از قوای عمده - موی مزاج و بدن مثل صحت که تمام استعداد انسانی برای نگاهداری آن حاضر و مهیا است -

دوم - لذت ثروت که انسان میتواند بوسیله تمول و دارائی آسایش و راحتی برای خود تهیه کرده و خوش باشد -

سوم - لذت مهارت که در وجود دانشمند و صاحب فن و هنر تولید میشود موقعیکه معلومات خود را بکار انداخته و نتایج برجسته بدست آورده است مثلاً مهندس ماهر زمانیکه بتأسیس سد بزرگ و یا پل و یا خط آهن در جاهای مشکل که حفظ موازنه هندسی در آنها خیلی دقیق و دشوار است و بینهایت محقق باعمال قوه علمی و فکری است موفق گردید لذت میبرد -

چهارم - لذت محبت که ناشی است از دوستی و وثوق دیگری باشخص که اگر آنشخص احتیاجی پیدا کرده دوستش فوراً انجام میدهد بدون اینکه از وی خواهش و التماس شود -

پنجم - لذت وجهه عمومی که حاصل میگردد در شخص بواسطه اینکه حس میکند در دلهای مردم مقام ازجمله داشته و احتیاجاتش را در مواقع لزوم بجای می آورند -

ششم - لذت تقوی و آن کیفیتی است که در عابد و زاهد حادث میشود موقعیکه از کردارهای خوب خود خوش و خورسند گردیده و امیدوار است که بیاداش تقوی و پرهیز کاریش برسد -

هفتم - لذت ذکاوت که بدانشمندان علوم و فنون دست میدهد در مواقعیکه ملکان فکری خودشان را بکار انداخته و در

(باصره - سامه - ذائقه شامه - لامسه) از قبیل بوی نفرت آور و خوراک بد مزه و منظره زشت و صدای ناهنجار و اشیاء زبز و درشت و دیگر بواسطه حواس عمومی بدن و مزاج مثل مرض و تعب فکری و جسمی سوم - الم قصور و آن تألمی است که حاصل میشود در انسان موقعی که قادر نبوده و نمیتواند اسباب و عوامل احتیاجات خود را ایجاد نموده و موفق به انجام آنها گردد.

چهارم - الم بنفص و آن ناشی است از اینکه شخص تصور مینماید که فلانکس نسبت باو نفرت و کراهتی داشته و بیم میرود که آسیبی بوی برساند.

پنجم - الم سوءوجاهت و در موقعی بانسان دست میدهد که حس میکند در پیشگاه جامعه قدر و منزلتی نداشته و بزشتی معرفی و منفور است -

ششم - الم تقوی و آن در وجدان عابد و زاهد تولید و فکرش نگران است از اینکه عملی را که انجام داده موجب غضب خدا وندی و بیم آنست گرفتار مجازات کردار خود گردد -

هفتم - الم شفقت که در انسان ایجاد میگردد و قتی که میباید حیوان یا انسانی را که دوست دارد در شدت و سختی نا ملایمی افتاده است و بعبارت دیگر همانطور که شخص برای گرفتاری و پیش آمد ناگوار خود متالم میگردد بواسطه گرفتاری محبوبش نیز متأثر میشود -

هشتم - الم حقد که در انسان حادث خواهد شد هنگامیکه مشاهده مینماید دشمنهای وی سعادت مند گردیده اند -

نهم و دهم و یازدهم - الم ذاکره و تخیل و خوف که محتاج بشرح نیست و اندک مراجعه به بیاناتی که در باب لذائذ بسیطه نمودیم حقیقت آنها واضح و روشن میگردد -

اینست انواع لذائذ و آلام که گاه به تنهایی عرض اندام نموده و بسیطه نامیده میشوند و گاهی از اوقات يك سبب چند فرد را بسا همدیگر موجود کرده و مرکبه خواهند بود -

باقیمانده قسمت دیگر که قوت نشو و نمای آن دو کیفیت نفسانی است باین معنی ممکنست هر لذت و الم لذت و الم دیگر از سنخ خود بوجود آورده یا اینکه لذت الم تولید کرده و الم لذت ایجاد نماید در اینصورت لازم است که قانون گذار موقع تهیه و تنظیم قانون ارتباط بین انواع دو کیفیت مذکور را که از جمله نتایج و مواید آنهاست نیز مورد توجه قرار داده و سنجش را در آنجا هم به کار برد و چون انواع لذائذ و آلام و یا بعبارت دیگر سودها و زیانها را ذکر کردیم لازم است چگونگی و کیفیت انتشار و مراتب آنها را نیز بیان نماییم.

مراتب لذت و الم و چگونه در اجتماع متشر میشوند

نظر باینکه حکومت بمنزله طبیب و اهتمامش بر آنست که زیان و الم را بوسیله قانون از جامعه دور کند ناچار است بدو امر روی آورده تا دانا شود

زیان چند قسم میباشد:

اول بیهود حوادثی را که میخواهد دور نماید زیان و یا بعبارت دیگر الم است یا نه؟

دوم آیا آن زیان و الم مهمتر از زیانی است که از راه اجراء قانون ایجاد میگردد یا نه؟ و بتعبیر دیگر باید نخست بین زیان و الم حاصل از جرم و زیان و الم ناشی از قانون سنجش نموده سپس در کارزار قانون وارد شود گذشته از این برای زیان و الم کیفیات و صور مختلفه است که میبینیم گاه یکنوع زیان از زیان دیگر تولید و بعضی از اوقات ناشی از خیر و سود و لذت گردیده و گاه ایجاد خیر و سود میکنند در اینصورت میبایست کیفیات و صور مذکوره را نیز بمعرض سنجش و موازنه گذاشت بنابر این میرویم که مراتب آنها را یکان یکان ذکر کنیم و برای هر کدام در رتبه و مقامی که هستند الفاظ و اصطلاحات مخصوصی معین نماییم تا بهسولت شناخته شده و به آسانی مقصود را دریابیم.

مراتب زیان

(۱) زیان رتبه اول - و آن زیانیست که به شخص معین

وارد و بر دو نوع است اصلی و مشتق :

اصلی آنست که مستقیماً و بدون واسطه بشخص معین میرسد .

مشتق فرع و زائیده زیان اصلی است که غیر مستقیم باشخاص توجه میکند که با زیان اصلی و اولی ارتباط سود و یا دوستی دارند .

مثال اگر ضرب یا جرح بزییدی وارد و مالش به سرقت برود متالم و زیان بر شده و بواسطه تالم وی خانواده واحد تالی و کسانیکه مال نزد آنها بوده و از آنجا بسرقت رفته همگی متالم و زیان بر میشوند .

زیانیکه بزید وارد آمده اصلی و زیانیکه بخانواده و مربوطین او رسیده مشتق نامیده میشود .

(۲) زیان رتبه دوم که ناشی است از زیان رتبه اول و از آنجا سرایت میکند بکسانیکه با زیان بر اولی و اصلی علاقه سود و مودت ندارند مثلاً همینکه زید و کسانش بر اثر سرقت و ضرب و جرح متالم گردیدند و حادثه در میان مردم منتشر شد طبیعی است که آن حادثه حالت دیگری بخود گرفته و در وجدان اعضاء هیئت اجتماعیه با دو کیفیت مخصوص تأثیر و ایجاد تشویق ورنجش واضطراب می نماید .

اول- تالم از وقوع حادثه و زیانیکه بشخص اصابت کرده .

دوم- بیم و ترس آنکه مبادا زیان و تالم مذکور تولید زیان دیگری از نوع خود نماید
حالت نقصانی اول برنجش و دومی به خطر موسوم است .

(۳) زیان رتبه سوم که حاصل میشود از دو امر رنجش و خطر یعنی اگر این دو کیفیت در اعضاء جماعت استمرار پیدا کرد زیان سومی که یاس و کسالت باشد در آنها ایجاد میکند . و این کسالت قوا و ملکات افراد جمعیت راست و نا توان و اعتماد و وثوق را از میان آنان ببرد که دیگر ضنعتگر برزگر و سایر طبقات حاضر برای کار نشده و عمل نمیکنند مگر باندازه ضرورت و احتیاج .

(۴) زیان منقسم که تولید میگردد از سرقت مان متعلق بشرکت و یا حکومت .

(۵) زیان ممتد که ایجاد میشود از عیب گوئی نسبت بکسی که آن عیب در دسته از مردم هم موجود است .
(۶) زیان علاوه که ناشی است از نتایج زیان آور اولی مثل اینکه جراحت و یا ضرب در شخص علاوه از آنکه مستقیماً الم بیاورد تا ایجاد امی کند که مجروح و مضروب از آن امر نیز متالم گشته و زیان برد .

(۷) زیان مستمر و آن تالی است که بعد از وقوع قابل زوان و یا تعویض و یا رجعت نیست مانند آثار اعدام و قطع اعضاء که قابل جبران و تدارک نیستند .

(۸) زیان وقتی که بر اثر رخ دادن قابل زوال است مثل مرض که بعد از مدتی از بین میرود و فقدان بواسطه تعویض تدارک میشود .

در پایان گفتگو متذکر میشویم که سود و خیر هم مانند شر و زیان رتبه سه گانه را فرا میگیرند یعنی اگر کردار نیکو و سود و لذت انجام بگیرد نتیجه آن بشخص معین سپس بکسانی که با علاقه و ارتباط سود و دوستی دارند میرسد اولی موسوم باصلی و دومی بمشتق که هر دو رتبه اول را حائز اند و بعد خیر و لذت دیگری که اطمینان و امیدواری و آرامش است در تمام یا عده از جامعه ایجاد میکنند که رتبه دوم بشمار میاید و همینکه آن حالت در آنان ادامه و استمرار پیدا کرده رتبه سومی را طی مینماید که در نتیجه افراد باشوق و شجاعت حاضر برای کار شده و هر چه توانائی و جدیت دارند در راه نوع خود صرف میکنند و کسالت بکلی از میان آنها میرود .

از بیانات و مقدماتی که گفتیم کاملاً روشن شد بنیان که وضع قوانین و نظامات کلیه بر روی پایه و اساس جلب سود و دفع زیانست در اینصورت بایستی وارد در مرحله دوم شده که قوه مقننه از چه راه و با کدام وسیله میتواند جلب سود و دفع زیان و یا بعبارت دیگر جلب و لذت و دفع الم را در قانون تامین نماید .

لطفی رئیس استیفاف مرکز